

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

آموزش روش چنگال اندری

تهیه و ارائه شده توسط

وحید درزی

تابستان هشتاد و هفت

پیووت چیست و چگونه مشخص می شود؟؟

اولین چیزی که باید بیاموزیم این است که با مفهوم پیووت آشنا شویم و بتوانیم آنرا به راحتی در چارت پیش رویمان تشخیص دهیم. **پیووت** : جاییست که قیمت تغییر جهت می دهد. شاید همین الان فکر کنید که برای پیدا کردن پیووتها چند تا اندیکاتور یا ابزار می خوام معرفی کنم نه اشتباه نکنید ، شما باید بتونید با نگاه به چارت پیووتها رو کشف کنید . به همین سادگی ، این کار به تمرین نیاز داره ، **بله پیووت نقطه ایست که قیمت تغییر جهت می دهد** . پس بذارید توی یه چارت براتون پیووتها رو مشخص کنم تا با نگاه به اون بتونید قضیه رو کامل درک کنید.



من اینجا تعدادی از پیووتها رو خیلی سریع مشخص کردم . حالا باید درک کرده باشید
پیدا کردن پیووتها کار سختی نیست

رسم خطوط روند با استفاده از پیووت ها

حالا قصد دارم کار ساده ای انجام بدم . می خوام پیووت ها رو با خطوطی به هم وصل
کنیم تا ببینیم چه کاربردی دارند . در واقع این خطوط ساده رو خطوط روند می نامند که
کاربرد زیادی در بین تریدرها دارند و ما به نوع خاصی از اون احتیاج داریم که باید
بتونیم به خوبی اونو رسم کنیم . در تصویر زیر من چند تا پیووت رو با خط به هم وصل
کردم .



. برای رسم خطوط روند باید از ابزار **trendline** در قسمت ابزارهای متاتریدر استفاده کنید . اگر تیک پرتو رو بردارید خطوط دارای ابتدا و انتها رسم می کنه. می بینید که این خطوط می توندند از پیووت های سقف به سقف و یا کف به کف و ... به هم وصل بشوند .

مثالی دیگر

در این مثال توجه شما رو به پیووتهایی که به هم وصل کردم جلب می کنم . تعجب نکنید . می شه پیووتها رو اینطوری هم به هم وصل کرد . یعنی ایرادی نداره که با رسم خط روند از دو یا چند پیووت ، خط روند از وسط کندلی عبور کنه . راستش این مثال رو نشون دادم چون خیلی باهاش کار داریم .



در ضمن خطوط روند می تونه از دو یا بیشتر پیووت عبور کنه

خوب دوستان تا اینجا با پیووتها و رسم خطوط روند بر اساس اونها آشنا شدیم . چند تا نکته رو باید در تکمیل اضافه کنم:

- چون ما می خوایم آینده قیمت رو ، یعنی سمت راست چارت رو پیش بینی کنیم ، باید آخرین نوسانات بازار رو تحلیل کنیم.
- البته برای تحلیلهای بلند مدت می تونیم از نوسانات قبلی هم استفاده کنیم.
- تمام سعی ما بر این است که از هیچ اندیکاتوری استفاده نکنیم.

آموزش رسم و کاربرد خط میانی

با سلام به دوستان . می رسمیم به تعریف خط میانی . خط میانی خط روندیست که با استفاده از سه پیووت رسم می شود . ترتیب پیووتها باید اینگونه باشد:

- کف سقف کف

- سقف کف سقف

و این سه پیووت بهتر است که مربوط به آخرین نوسانات قیمت باشند . پیووت اول یعنی نقطه **A** به وسط دو پیووت دیگر یعنی **B** , **C** وصل می شود و تشکیل خط میانی را می دهد .

به دلیل اینکه در متاتریدر ابزار رسم پیچفورک که خط میانی جزئی از آن است وجود

دارد ، از توضیح درباره رسم دقیق و چگونگی آن خودداری می کنم .

- باز هم تاکید می کنم برای پیدا کردن این سه پیووت بهتر است با تمرین زیاد

از چشمهایتان استفاده کنید و بهتر است پیووت اول بلافاصله قبل از دو پیووت دیگر

باشد ، در حالی که الزامی در کار نیست.

چون با توضیح پیچفورک اولیه و رسم آن با ابزار در متاتریدر بهتر می توان در مورد خط

میانی صحبت کرد ، بهتر است منتظر درس بعدی باشید و این مقدار توضیح را کافی می

دانم.

مقدمه ای بر پیچفورک

وقتی در مورد این ابزار قدرتمند بخوایم صحبت کنیم باید بدونیم که قیمتها چه رفتاری از خودشون نشون می دن . قیمتها پیوسته در حال نوسان هستند و امواج رو می سازن . جالبه بدونید که تشکیل این امواج از قواعدی پیروی می کنه . بذارید یه مثال بزنم: می دونید که اجسام از مولکولها تشکیل می شن . و هر مولکول از تعداد زیادی اتم و هر اتم از الکترون و پروتون و ...

در مارکت و در مورد قیمتها می شه اینطور گفت که هر موج بزرگ خودش از امواج کوچکتري تشکیل می شه و باز اونها هم همین طور و ... شما اگر موجی رو مثلا توی تایم 4 ساعته ببینید ، می تونید تقسیم بندی اون موج رو به موجهای کوچکتري در تایمهای پائین ملاحظه کنید .

اندري قوانینی رو برای حرکت و شکل گیری موجها بیان کرده که بوسیله ابزار پیچفورک تونسته به خوبی اونهارو نشون بده.

قوانین اندري در واقع رفتار قیمت رو بر اساس رفتار روانی تریدرها نشون می ده و این یعنی که:

پیچفورک یک استراتژی ساده نیست ، بلکه پیچفورک روشی است مبتنی بر ماهیت مارکت .

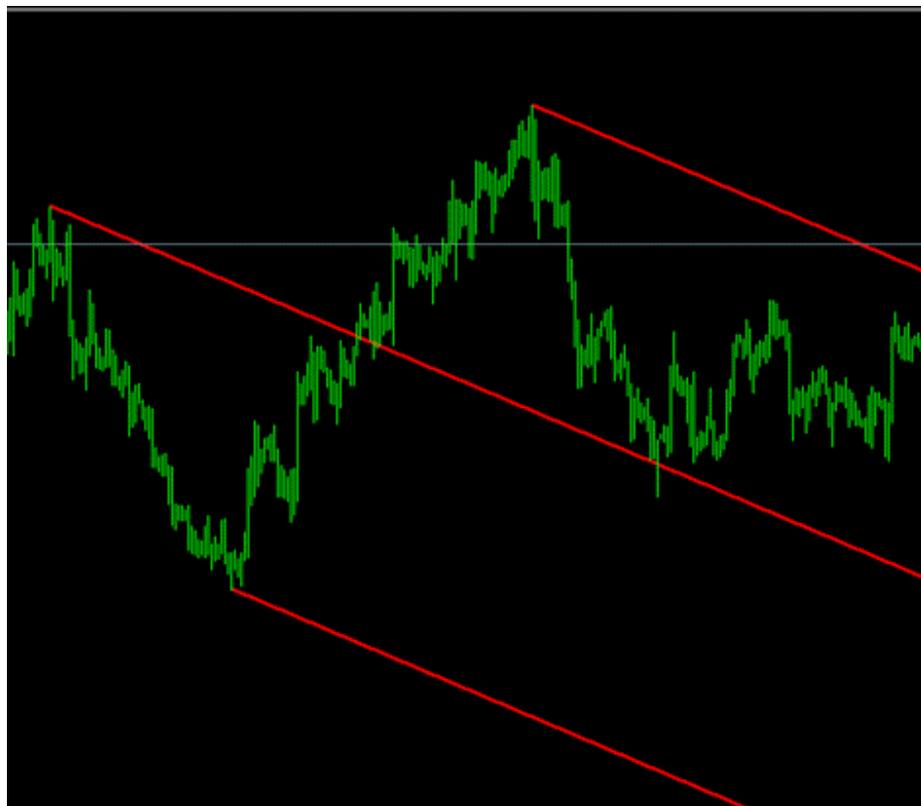
اصل اول خط میانی پیچفورک

اصل اول و مهمترین قانون پیچفورک اینطور می گوید:
قیمت در **80** درصد موارد به خط میانی بازگشت نموده و آنرا لمس می نماید.

مثال اول



مثال دوم



توی هر دو مثال می بینید که چطور قیمت بالاخره خودش رو به خط میانی رسونده و حتی با یک لمس از اون برگشت کرده

کاربرد اصل اول پیچفورک و معامله بر اساس آن

اصل اول خود می تواند با در نظر گرفتن نکاتی مبنای معاملات ما باشد . ما می توانیم با تشخیص تشکیل چنگال جدید با ریسک 20 درصدی انتظار داشته باشیم که قیمت خود را به خط میانی برساند و بر اساس آن بای یا سل نمائیم . اما با توجه به تحریبات می توان برای تشخیص بهتر قوانینی وضع کرد .

-اول اینکه میزان بازگشت قیمت از نقطه **C** یعنی نقطه سوم فرضی باید حداقلی داشته باشد . شاید با چشم هم بتوان کافی بودن این بازگشت را تأیید کرد و می توان برای مطمئن تر شدن از بازگشت **38.2** در فیبوناچی استفاده کرد .

-وقتی از میزان بازگشت مطمئن شدیم بهتر است به آرایش کندلها پس از پیووت احتمالی توجه کرد . تشکیل یک دوجی و سپس کندلی برگشتی می تواند ما را به بازگشت امیدوار کند .

-پس از در نظر گرفتن این نکات با بسته شدن کندل برگشتی و یا حتی برای اطمینان بیشتر در کلوز کندل بعدی می توان وارد معامله شد .

-تارگت مورد نظر بنا به اصل اول باید خط میانی باشد ولی برای اطمینان چند پیپ فاصله را تا قبل از آن به عنوان تارگت انتخاب کنید .

-استاپ هم چند پیپ پائین تر از نقطه سوم انتخابی به عنوان پیووت است .

معمولا استاپ پائین خواهد بود و معامله با خط میانی ریسک بالائی را ایجاد نمی کند .
-به دلیل اینکه ممکن است چند کندل طول بکشد تا قیمت به حوالی خط میانی برسد دقیقا نمی توان گفت تارگت مورد نظر کجاست و در کدام نقطه خط میانی لمس خواهد شد ، پس بهتر است تارگتی گذاشته نشود و با دنبال کردن قیمت پوزیشن را تا حوالی خط میانی باز نگه داشت و و سپس خط میانی را به عنوان تارگت انتخاب کرده و استاپ را نیز جابه جا کرد .

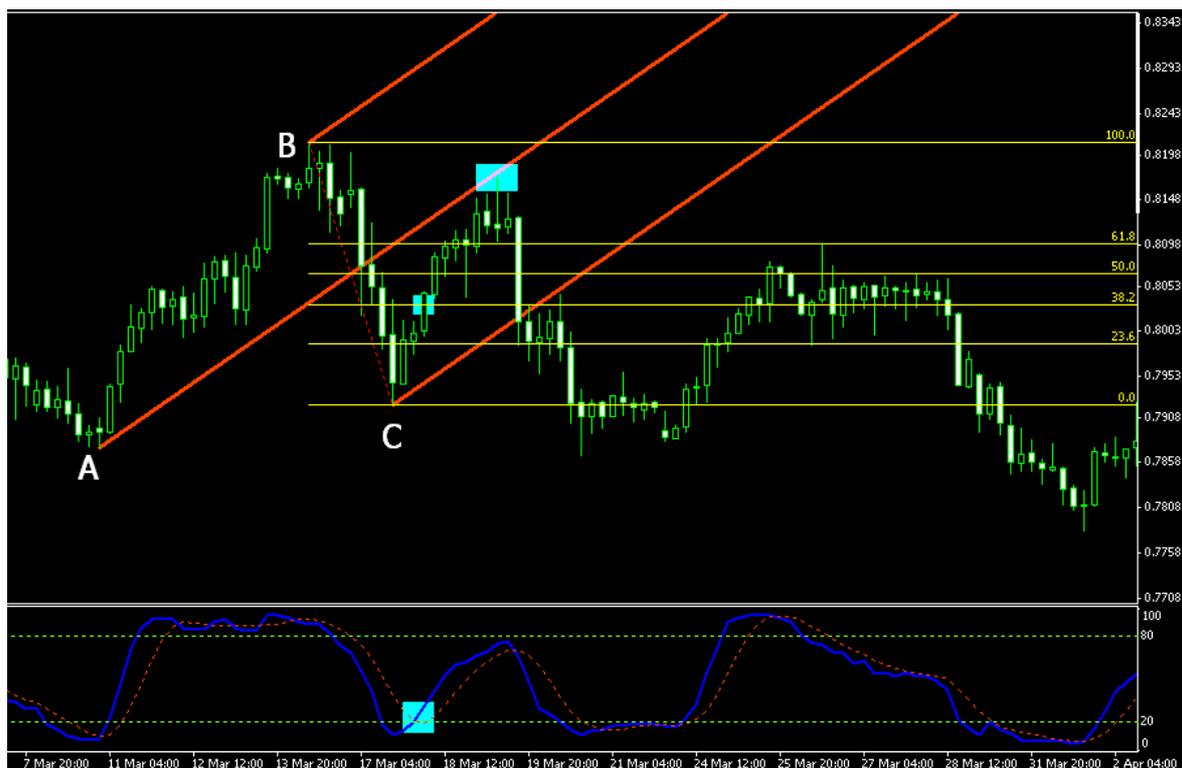
مباحث برای معامله با اصل اول پیچفورک کاملتر از این نکات گفته شده است ، بنابراین فعلا به این میزان اکتفا می شود و با ارائه دروس بعدی درک این مطالب و تکمیل شان میسر خواهد شد .

مثال اول

در تصویری که می بینید بدین شرح بر اساس اصل اول پیچفورک و در نظر گرفتن نکاتی معامله خواهیم کرد :

در ابتدا قیمت پس از ریزش از نقطه **B** خود را به کف رساند . سپس یک کندل صعودی تشکیل شد و استوکاستیک خود را به منطقه اشباع فروش رساند . با این اتفاق هشدار ایجاد شد برای تشکیل احتمالی نقطه سوم پیچفورک جدید . باید منتظر می شدیم . بازگشت قیمت با چشم هم کافی به نظر می آمد . فیبوناچی هم بازگشت **38.2** درصدی را تأیید کرد . کندلها هم آرایش برگشتی ایجاد کردند . در کلوز کندل که مشخص شده است وارد خرید می شویم و استاپ را چند پیپ پائین تر از نقطه **C** قرار می دهیم . اکنون استوکاستیک نیز کراس خود را تأیید کرده است . معامله را تا لمس خط میانی باز نگه می داریم .

می بینید که در منطقه مشخص شده پس از **7** کندل خط میانی لمس شد و تارگت زده شد و حدود **130** پیپ سود حاصل شد .



اصل دوم و سوم پیچفورک

اصل دوم : هنگامی که قیمت خط میانی را لمس می کند ، معمولاً یک پیووت ایجاد می شود.

اصل سوم : معمولاً قیمت در حول و حوش خط میانی نوسان خواهد داشت و اغلب بیش از یکبار آنرا لمس می کند.

پس باید بدانیم که یکی از نقاطی که می تواند ما را با حصول شرایطی به معامله جدیدی رهنمون کند خط میانی و تماس قیمت با آن است . اغلب پیووتی که قیمت در تماس با خط میانی می سازد خود مبنای تشکیل چنگالی جدید قرار می گیرد .
نوسان موقتی قیمت حول خط میانی را می توان ناشی از عدم تصمیم گیری بازار در آن مدت دانست و معامله گر هوشیار نکاتی را که در ادامه خواهیم گفت باید در نظر داشته باشد.

این دو اصل در واقع تکمیل کننده اصل اول می باشند و باز هم تاکید می کنم مهمترین اصول پیچفورک هستند که می توان از آنها برای معامله استفاده کرد.

در همه نمونه های زیر کاربرد **3** اصل مطرح شده پیچفورک را به خوبی مشاهده می فرمائید . ابتدا تمایل بازگشت قیمت به خط میانی ، نوسان حول خط میانی و ساخت پیووت جدید.





اصل چهارم پیچفورک

این قانون زمانی مطرح می شود که قیمت نتواند موج خود را کامل کند و بدون لمس خط میانی برگشت کند . در این موارد قیمت تمایل به ساخت موج بزرگتری نشان می دهد و این قانون را توجیه می کند .

اصل چهارم : هرگاه قیمت خط میانی را لمس نکند و برگشت نماید اولین هدف آن تا نقطه **C** یعنی نقطه سوم چنگال خواهد بود .

بدین ترتیب با دانستن این قانون استفاده ما از خط میانی خیلی زیاد خواهد شد . همه چیز در این قوانین به خط میانی بستگی دارد . اگر لمس نشود هم که مبنای این اصل 4 می شود و خودش می تواند پایه معاملات ما قرار گیرد . چرا که با حصول شرایطی می توان از لمس نشدن خط میانی مطمئن شد و اقدام به معامله تا نقطه سوم کرد .

ببینید قیمت بدون آنکه خط میانی را لمس کند چطور موجی بزرگتر ساخت و اولین هدف یعنی نقطه سوم چنگال را رد کرد .



پیچفورک و انواع خطوط آن

سه خط موازی چنگالی را تشکیل می دهد که با استفاده از آن بنا بر قوانینی می توان به تحلیل و پیش بینی قیمت پرداخت . خط میانی را که شناختیم . دو خط موازی در بالا و پائین این خط از دو پیووت پشت هم رسم می شود که خطوط موازی نام دارد . خطی که از اولین پیووت چنگال و نقطه دوم و همچنین از این نقطه و نقطه سوم رسم می شود را نیز به اصطلاح خطوط ماشه می نامند . این مطالب مقدماتی را عرض کردم چون قرار است روشهای معاملاتی مبتنی بر این خطوط را به زودی ارائه دهم . ابزار پیچفورک در متاتریدر براحتی از سه پیووت برایمان چنگال را رسم می کند و ما نیز با استفاده از دو ترندلاین خطوط ماشه را می توانیم رسم کنیم . دقت کنید که چنگالها و ترندلاینها دقیقا از پیووتها عبور کنند . در پیچفورک کمی جابه جایی یا فاصله باعث اشتباهات جبران ناپذیری می شود .

روش های معامله با خطوط موازی و ماشه

ابتدا نکاتی مهم:

منظور از شکست خط موازی یا خط میانی و ... این است که کندلی از این خطوط عبور کند و در خارج از آن بسته شود .

همیشه شکست خطوط در پیچفورک برای ما هشدار خواهد بود .

این روش معاملاتی در پیچفورک همانند روش معامله با خط میانی پیچفورک کم اعتبار تر است و با ارائه درسهای بعدی به اعتبار آن افزوده می شود . چرا که باید اطلاعات دیگری هم بدان اضافه شود .

بهتر است در استفاده از این خطوط برای معامله از روش اوردر گذاری استفاده کرد و سریعاً وارد معامله نشد .

قوانین:

هرگاه خط موازی پیچفورکی شکسته شود تنها هشدار برای تغییر روند صادر شده

است . مگر آنکه فاصله خط موازی تا خط ماشه چنگال زیاد و با شیب مناسب باشد که در آن صورت این شکست می تواند سیگنال هم باشد .
هرگاه خط ماشه پیچفورکی شکسته شود سیگنالی برای تغییر روند است و می توان بر اساس آن به معامله پرداخت .

ریزه کاریها:

همیشه بلافاصله پس از شکست خط موازی و یا خط ماشه ریزش و یا صعود انجام نمی شود . اگر چه گاهی بلافاصله هم هست . اما در اکثر مواقع قیمت بازگشتی ایجاد می کند و در صورتی که سیگنال صادره مطمئن بوده باشد می توان پس از عبور دوباره قیمت از پیووت بوجود آمده وارد معامله شد .

مطمئنا همه این مطالب را با تصویر بهتر می توان نشان داد . منتظر ارائه مثال باشید .
در این تصاویر خط موازی فقط هشدار صادر کرده و خط ماشه سیگنال اصلی را داده است





خط میانی کوچک

تمام مطالب و قوانینی که تا اینجا بیان شد را می توانید با رسم چنگالی کوچکتر در دل چنگالهایتان برای تشخیص بهتر مسیر قیمت پیاده کنید. البته به نظر من با استفاده از تایم پائین تر در مواقع لزوم این نیاز برطرف می شود. از خط میانی کوچک می توانید برای تشخیص حرکت قیمت در رسیدن یا نرسیدن به خط میانی استفاده کنید. همچنین برای قانون چهارم خط میانی و احتمال وقوع آن هم کاربرد دارد.

استفاده از استوکاستیک

با استفاده از اندیکاتور استوکاستیک (3و5و14) و به همراه کندلهای برگشتی در نقاط لمس و یا برخورد قیمت با خطوط چنگال می توان تصمیم مناسب تری گرفت . البته تاکید می کنم تنها راهنمای شما می تواند باشد و به تنهایی کارساز نیست . در استوکاستیک دو محدوده اشباع داریم . بالای 80 محدوده اشباع از خریداران و در محدوده زیر 20 محدوده اشباع از فروشندگان قرار دارد . کراس استوکاستیک در این مناطق به همراه بسته شدن کندل می تواند ابزار خوبی برای شناسایی برگشت باشد .

البته استفاده از این متد احتیاج به کمی دقت و در نظر گرفتن نکاتی دارد . در مثال عرض خواهیم کرد .

تشخیص قانون چهارم اندری با استوکاستیک

همیشه سعی کنید از استوکاستیک به عنوان شاهد سوم استفاده کنید . در تصویر زیر اولین شاهد ناتوانی قیمت در رسیدن به خط میانگین که با ریزش در یک کندل پدیدار شده است . اما دلیل کافی نیست . سپس ریزش در این کندل در کندل بعدی آنرا به کندل برگشتی تبدیل کرده است . این هم شاهد دوم . و سومین شاهد کراس استوکاستیک در منطقه اشباع است . در این زمان در **low** کندل بعد از برگشتی آوردن سل می گذاریم و با استاپ کم تارگت را روی خط **C** قرار می دهیم .



کاربردی دیگر از استوکاستیک

قیمت در اینجا بعد از عبور از خط میانی با یک کندل برگشتی کامل سعی در بازگشت گرفت. به اشباع رفتن استوکاستیک و کراس آن به عنوان شاهد سوم راهنمای ما می شود تا با تشکیل اولی کندل صعودی بالای خط میانی تا خط موازی بالائی بای کنیم.



دو مثال دیگر برای دید بهتر



منطقه خط میانی

مهمترین نکته تحلیلی در چنگال این است که حدس بزنییم قیمت تا چه زمانی تمایل احتمالی برای لمس خط میانی دارد. با رسم منطقه خط میانی آشنا می شویم و سپس در مورد آن توضیح بیشتری خواهیم داد. برای رسم این منطقه تعداد کندلهای بین نقطه **A** و **B** رو همین طور **C**، رو بشمارید و هرکدام بیشتر بود رو مبنا قرار بدید بعد یه منطقه از نقطه **C** تا خط میانی رسم کنید. قیمت معمولا تو این ناحیه خط میانی رو لمس می کنه. در درس تکمیلی بعدی توضیح می دم که با این منطقه چه چیزائی رو می شه فهمید. در مورد رسمش هم مثال تصویری ارائه می کنم.

نحوه رسم منطقه خط میانی

از **A** تا **B** چهارده تا و از **B** تا **C** دوازده کندل می باشد. همیشه عدد بزرگتر را انتخاب می کنیم و از **C** تا خط میانی یک منطقه به همین طول رسم می کنیم. انتظار می رود که قیمت در این منطقه خط میانی را لمس کند.



تحلیل بر اساس منطقه خط میانی

همیشه سعی کنید پس از تشخیص احتمالی تشکیل چنگال جدید منطقه خط میانی آنرا رسم کنید تا بدانید تا چه زمانی باید منتظر رسیدن قیمت به خط میانی باشید. با رسم آن مقاومت‌های پیش رو در منطقه مورد نظر نیز نمایان می شود و شما را در تصمیم گیری یاری می کند.

اگر قیمت در این منطقه به خط میانی نرسید باید بدانید که بازار وضعیت خوبی ندارد و تا مشخص نشدن نوسان اصلی بازار معامله نکنید.

اگر قیمت در این منطقه به خط میانی رسید و آنرا لمس کرد شما باید به دنبال یک پیووت باشید تا بر اساس آن وارد معامله شوید.

در این چارت مشاهده می فرمائید که قیمت در منطقه خط میانی که **22** کندل پیش بینی شده بود با خط میانی تماس پیدا کرد. سپس ما منتظر پیووت ماندیم. پس از تشکیل پیووت و با شکستن دوباره خط میانی معامله کردیم که یک روند **400** پیپی را دنبال نمودیم.



خطوط هشدار

خطوط مهم دیگری که باید در کنار خط میانی ، خطوط موازی و ماشه به کار گرفته شود
خطوط هشدار هستند .

خطوط هشدار خطوطی هستند موازی با خطوط موازی چنگال و فاصله آنها برابر است با فاصله خط میانی تا هر یک از خطوط موازی . این خطوط در بالا و پائین خطوط موازی بر حسب نیاز رسم می شوند . برای رسم دقیق این خطوط با استفاده از ابزار فیبو کانال متاثریدر و تغییر لول های آن به اعداد 1 و 2 و 3 و ... خطوط یکسان و موازی خواهید داشت که همان خطوط هشدار هستند . بهتر است تیک مربوط به پرتو را هم بردارید تا چارتتان زیاد شلوغ نشود . لازم به ذکر است که ما زمانی به خطوط هشدار نیاز داریم که قیمت از چنگال خارج شده باشد . می بینید که چنگال اندری برای تمام حرکات قیمت برنامه ای خاص دارد .

کاربرد خطوط هشدار

قیمت اغلب در برخورد با این خطوط نیز عکس العمل نشان می دهد و پیووت می سازد . که می تواند مبنای تارگت ، استاپ و حتی ورود به معامله باشد . واژه اغلب را به کار بردم چون گهگاه قیمت با عبور از این خطوط ، خود را به خطوط بعدی هشدار می رساند . در انجام معاملات دقت کنید تا بتوانید با تریل کردن در نزدیکی خطوط هشدار روند را دنبال کنید . در واقع اگر قیمت پس از برخورد به خطوط هشدار ، پیووت بسازد با برخورد با استاپ شما ، شما را با سود خارج کند و یا با عبور از خطوط هشدار اجازه دریافت سود بیشتر را به شما دهد .

می بینید که قیمت با برخورد به خط هشدار پنجم پیووت ساخت . که اگر بر اساس قانون چهارم اندری و شکست خط موازی وارد معامله می شدید می توانستید با تریل کردن به ترتیبی که عرض شد روند را دنبال کنید .



سوپر پیچفورک

همانطور که در توضیحات درس پانزدهم اشاره شد خطوط دیگری هم هستند که می توانند به کمک یک پیچفورک بیایند. پس از خطوط هشدار خطوط دیگری را معرفی می کنم که در تعیین نقاط احتمالی تشکیل پیووت برای اهداف ترید و یا ورود به معامله به ما کمک می کند. این خطوط، عکس العمل ها هستند.

خطوط عکس العمل خطوطی هستند که به فاصله نقطه اول چنگال تا مرکز خطی که از نقطه دوم و سوم پیچفورک می گذرد ، به موازات خط فرضی گذرنده از نقطه دوم و سوم چنگال به بعد رسم می شود . برای رسم این خطوط به فاصله مساوی و با دقت بالا می توانید از ابزار **equ channel** در متاتریدر استفاده کنید . به دلیل تشابه قوانین در مورد پیووتها و توضیحات مشابه با درس قبلی از ارائه مثال خودداری می شود .

لازم به ذکر است خطوط هشدار بسیار پر کاربرد تر از خطوط عکس العمل هستند .

کاربرد گپ و اسپایک

به ندرت در جفت ارزها و معمولا در سهامها و **CFD** ها گپ و اسپایک دیده می شود . هر دو نشانه خوبی برای قدرت بازار هستند . مثلا گاهی قیمت برای لمس خط میانی ناگهان همانند یک گوه به خط میانی آویزان می شود که این نشانه ای برای پیووت ساختن است . یا بسیار دیده می شود که قیمت از خط میانی فراتر می رود و سپس با ایجاد یک گپ بازگشت می کند .

تلاقی چنگالها

همیشه برای دوستانی که با چنگالها کار می کنند این سوال پیش می آید که چنگالها تا کی اعتبار دارند و تا کی باید یک چنگال را روی یک چارت نگه داشت . بنده به تجربه در یافتن که بهتر است برای سمت راست چارتتان چنگالهای لازم را رسم نمائید . بدین صورت که چنگالی که روند و جهت کلی حرکت قیمت را به شما نشان دهد . و سپس چنگالی که قیمت را محصور کند و قیمت به آن واکنش دارد و سپس آخرین چنگال بر اساس آخرین پیووتها برای حدس اهداف بعدی قیمت . در واقع شما بر اساس آخرین چنگال معامله می کنید و می توانید بر اساس چنگالهای قبلی تارگت های احتمالی را مشخص کنید و مقاومت های پیش رو را در نظر داشته باشید . گاهی خط ماشه چنگالهای

قبلی و گاهی خطوط هشدارشان به ما در تعیین استاپ و یا تارگت کمک خواهد کرد .
گاهی هم دو یا سه چنگال نزدیک شدن به زمان بازگشت را با هم تأیید می کنند که این
اعتبار تحلیل شما را بالا می برد.

گرچه توصیه می شود با چنگالها و خطوط زیاد خود را سردرگم نکنید ، بلکه برای تحلیل
بهتر برای یک جفت ارزی یا ... از چند چارت استفاده کنید.

مباحث تکمیلی

در مورد چنگال اندری و کلا روشهای اندری به طور کلی در این دوره آموزشی صحبت
شد . مباحثی همچون چنگال 50 درصدی و یا روشهای عمل عکس العمل از جمله
مباحث غیر ضروری هستند . در واقع شما با دانستن و تمرین و به کار گرفتن این هفده
درس مطمئن باشید که می توانید چنگال اندری را به عنوان روش معاملاتی خود به کار
بگیرید .

شما باید برای پیچفورکر شدن بتوانید سه کار انجام دهید :

-رسم دقیق چنگال و ضمائم آن

-به کارگیری تلافی چنگالها

-تحلیل و سپس معامله بر اساس موارد یاد شده